

حقیقت

13 خرداد 1356

ارگان اتحادیه کومنیستهای ایران در ضرورت وحدت مارکسیست - لنینیستها

شرایط جامعه‌ای ایران امروز از هر زمان دیگری معاد کرد تاریخ فعالیت سیاسی و مبارزاتی انقلابی آماده و تر است. ماهی نیست که يك یا چند اعتصاب کارگری صورت نگیرد. بسیاری از این اعتصابات نشانه هائی از تشنگی و هتایت آگاهانه نیز رخ می‌دهد و برخی شان تاسطم در رگیردن و پایلین شدن وضع هاتخرارجی و در هها اسیر و شهید شدن نیز میسر می‌شود و این وضع بی تردید روز بروز تشدید بیشتری خواهد یافت. طبقه کارگر قهرمان ما هر چند بطوری پرانگه و هر چند اکثر اقتصاداً لیکن مدام در حال مبارزه است.

د هقانان ستوده و فقیران و میلیون‌ها نافرمان بایه نیستی کشیده شدن کشاورزی آوارگی شهرهاشده و آنان نیز همچنان دستخوش طبع و برتری‌های سرمایه‌داران قرار گرفته و آنان نیز در راه طعم شرایط خرد کننده زندگی مبارزه میکنند. آنها نیز که در روستا بند جزقشری ناچیز که در قبال بیخمانمانی انبوه نود ه های د هفاسی به نان و آبی رسیده اند، بیوسته با تجاوزات و زورگویی ها و قلد ربهیای نمایندگان گونه گون رژیم، از زاندم اما تا علین شرایط سیاسی آزادی در بررور و مبارزه مسترفی و انشجویان مبارز اندک‌هها و روحانیون مترقی طی همین سالهای رشد جنبش (۹۴ بعمد) بیوسته با رژیم سرسرمده و پهلوئی مبارزه کرده اند و بسیاری نیز شهید و اسیر اند ه اند. بافتاری طبقه کارگر قهرمان ما در مبارزات برحق و بیگرنش از امة یافته و یافته تا امروز که تقریباً همه اقشار و طبقات خلقی به گونه های مختلف مخالف خود را با وجود موجود ایراد اشته و آنها را نیز که تا به روز همدی خانیات و بنا و افشپارا سی

باید بد و سکوت میکردند، به گله و شکایت برخاسته خواستار در گونیهای گشته اند و این وضعیت در کلی شمری مطلق نتایجی است که انقلاب سفید رژیم انقلاب سفید برای مردم ما مایا آورد. و رشکستنی اقتصاد کشور نابودی کامل کشاورزی، آواره شدن میلیون‌ها دهقان ایران، تشدید استعمار کارگران، گرنانیی حدود حساب ماجتاج مردم و از جمله مشکل لانچل مسکن، سیاست های ایران بر پاد و در ر بار پهلوئی و نخل سیاست تسلیحاتی، وابسته کردن هر چه بیشتر کشور به جرخ کشورهای امپریالیستی، گداشتن نان شب مردم در رگرو غارت نفت، تشدید تور و وقفان وحدهنشناسی حکومت پلیسی محمد رضاشاه در دست اندازی به تمامی زوایا حیات جمعی و فردی مردم و ... در وجود مردم بلکه این شرایط نه می‌توانست برانفاده شود و سکوت بلکه همان چیزی می‌توانست باشد که از سالهای ۹۴ - ۵۰ هه اینوسومینیم کشیده شدن یک‌یک طبقات و اقتسار خلق بمیدان مبارزه و آماده شدن هر چه بیشتر اشرا - یط برای انقلاب.

امروز یگرنجده ه شی صلحت چی مفت گدگوارا و "چپ‌مد عیند شرایط جامعه برای انقلاب کردن مانده نیست رژیم در رم و ران شکوگونی خود بسر میرسد و بسا انتظار است غیری رامیکشند که کود تانی برایشان انجام دهد، یا خود را بسرعت آماده میکنند تا همان غلم پاره شاه یا بد سلطنت کنند نه حکومت گد شگناشان راسی دوش گیرند، د بگران هگی برآنند که شرایط عینی انقلاب فراهم است، نود ه های مردم و در راس آنها طبقه کارگر اکثر آمامدی مبارزه اند و خواستار تغییر این وضع و بسیاری در حال مبارزه و شرایط گلا زهر زمانه یگیرنده از کودتا برای آغاز بزرگ نهایی آماده و تراست.

طبعی است که این چنین شرایط از جنبش انقلاب بی ایران و پیشاپیش آن جنبش کومنیستی فعالیت تبلیغی، ترویجی و تشکیلاتی شدید تروومیحتری را طلب میکند. این نیاز را باید در بدیه باسخگونی و بر طرف کردن مشکلات راه باسخگونیش برداخت.

د شمن خود از وجود این شرایط آگاه است و سه همین دلیل است که وسیعاً بمقابله با آن برخاسته است. رژیم خود بخوبی مینماید که توهماتش که در برخی هاتو طبقه انقلاب سفید ش بر وجود آورده بود از بین رفته، ماهیت ضد ملی و ضد انقلاب اکثریستهایش

افشاگر می‌دهد و در جامعه د آرای هیچ پایهای نیست. این است که شدید آبه دست و پا افتاده و در تلاش فریب و جلب مردم است. رژیم با در دست داشتن تجر - بیات و جهمیند پهای اربابانش از بزرگ های پیروزشده قلههای ویتنام، کامبوج و لاوس و تجربیات ضد انقلاب - بی د بگیری که در مقاله به نام بگر غلبه های انقلابی اند و خته اند، شدید بی آرد و تقلا و کوشش برای جلوگیری از بظهور وضع انقلابی و رشد جنبش مردم است. رژیم با استفاده از این جمعیند پها و بخد مت گرفتن گروهی و روشنفکران خود - فروخته و با تکیه به امکانات وسیع خود، به پیاد ه کردن یکسری برنامه های ضد انقلابی که طراحانش همه تهبکا - ران آمریکائی نظیر هلمز - مشایر مخصوص شاه - و د بگر جاسوسان و زد ان در ریائی غرب اند، بر داخته و به این ترتیب پیشاپیش همه به مقابله با انقلاب برخاسته است.

د را و اخرجنگ ویتنام یک سر هنگ آمریکائی نتیجه گیری خود را از این جنگ چنین بیان کرد: رژیم بی در بین مردم به پایه خود را از دست بده و نتواند مردم را در برنامه های خود درگیر کند، باید فاتحه اش را خواند. سون مدی یا ناسود مدی ی طرح بسته به پشتیبانی بی است که در میان مردم م میاید، همدی بحث بر سر مردم است. مایا که جنبش تنها، هر کس آنها را کسب کرد بر د است. تلاش دشمن امروزه در ایران برای نیفتانن به آن روز و برای فریب و کسب مردم است. رژیم از یکسو دست به تبلیغاتی وسیع و همه جانبه زد، د شبکه های وسیع را بد و تلویزیون، روزنامه ها و مجلات و حتی کتب در رسی انقلاب مت تبلیغ برنامه های و مقابله با شرا - یط ابلاغی گرفته و از سوی دیگر تشکیلات گسترده در تمام سطوح برداخته است. تشکیلات حزب رستاخیز و سازمانهای حزبی در همه جا از کارخانه تا بیروستان، تشکیلات کیمته های حزبی در تمامی شهرها و شهرستانها و بخشها و بسیاری از روستاها، ایجاد شدن یگا های زرد، بر اه اند آختن برنامه "آموزش سیاسی تبلیغیات در روه ین بر سر فرموده ه هائی نظیر "موزار یگان" "بهد اشت ریگان" "سیرن ن کار مردم و بد و "، مشارکت مردم در کار - ها" و اخیراً "لوم اقتصاد بد لوم" ... اینها همه برای مقابله با وضع موجود و ایجاد وضع لبخواد ارتجاع است. ا ه ه اف مشخص این تهاجم ارتجاع عبارتند از:

- ۱ - جلوگیری از نفوذ فرهنگ و اندیشه های انقلابی، مبارزه جوانان و در نهایت سوسیالیستی در بین مردم و بستن هرگونه راه نفوذ انقلابیون در بین مردم.
- ۲ - بسط و گسترش فرهنگ استعماری - ارتجاعی در میان توده ها.
- ۳ - درگیری کردن مردم در برنامه ها و فعالیتهای ضد انقلابی و کشیده نشان بخد مت منافع امپریالیسم و ارتجاع به رضا و رغبت.

د شمن در واقع در برج و بارودی قاعی میسازد برای مقابله با جنبش انقلابی هم امروز و هم فردا. به این تهاجم دشمن، به این برنامه های تبلیغاتی و فعالیتهای گونه گون سازمانی بی توجهی کردن و آنها را بی تاثیر خواندن بخاطر رفتن است. این برنامه هاد رگروهیائی از مردم تاثیر خود را میگذارد و آنها را به پشتیبانی از رژیم، ولی پشتیبانی از برخی برنامه هایش و امید آرد، ما خود در بین حتی برخی از عناصر مخالف رژیم در ید ه ایم که مثلاً تجاوز رژیم به عمارت - تحت تاثیر تبلیغات سوسیالیستی و گمراه کننده اش د دفاع میکنند، یا از سیاست تسلیحاتی شاه به همان استدلالاتی که خود دستگاه میکند، ایران باید قوی و نیرومند باشد، "خلیج فارس مال ایران است و نباید کسی به آن طمع کند" ... حمایت میکنند، چرا که هیچ استدلال مخالفی را در میان حقیقت امورشینید ه اند و خود نیز تهنشهای و پاسراهی که در آن قرار اند، قادر به تحلیل و نتیجه گیری از این تبلیغات و گمراه سازیهای رژیم نیستند. بحیثیات د بگر چون قرار گرفته اند بین دو قطبی که یکی از آنها بزرگاری رژیم و دیگری کم کاری انقلابیون اما این ناگفته روشن است که حتی همین افراد ی که چنین تحت تاثیر برخی از تبلیغات دشمنند، با نالافقه نیروی انقلابی و تب تمییری آمادی مبارزه بسا همین سیاستها، چرا که بمجرد دست یافتن بحقیقت آنرا میباید برنگونی و گونی حرف خود را می شنوند. ما بگر که در دست این گونه افراد شاده بود ه ایم که بی از رفتار ری گفگو و افشای ماهیت سیاستهای رژیم، دست از زحمات بر داشته اند و خود نیز در گوشه و کنار افشای آن برداخته اند و جز این هم نمیتواند باشد. چرا که شرایط زندگی شان چنین ایجاب میکند و قورگورگسکی بی سامان نشان ایجاب میکند که در سی حقیقت باشند و آنرا سه یذیرند.

د رین طبقه کارگر میتوانیم بگویم صید اصلی این تبلیغات رژیم در لایه های پایینی این طبقه، در میان کارگرانی است که تازه از روستا بشهر آمده اند و نسبتاً نا آگاه و بخاطر شرایط زندگی خود تاحدودی محافظه

کارند. میتوانیم طبقه کارگر را به سه بخش تقسیم کنیم: پیشرو، متوسط و عقب مانده. بخش اول کارگرانی هستند که آگاهی سیاسی و تاحدودی آگاهی سوسیالیستی در اند؛ همیشه در رأس مبارزات مطالباتی اند و بخود متشکل کنند و میرایکنند ی آن؛ نسبت به رژیم سیاست هایشان در آرای مواضع صحیحی هستند، گاملا خواستار آمامدی برش آگاهی انقلابی و تشکیلات سیاسی اند؛ اشتیاق به آموختن مدام در ریانان در ید ه میشود و سنوا - لاتی که برایشان مطرح است عمدتاً در زمینیه وابستگی رژیم، اشکال فعالیت انقلابی، چگونگی امکان مبارزه با چنین رژیم مجبزی و بالا خره سوسیالیسم و برنامه ی انقلاب باشد. متشکل کردن این افراد با سخگونی سه سنوا لاشتن اولین وظیفه مارکسیست لنینیستهاست.

قدر و م، این قدر قریب ۷۰ درصد کارگران راد ر بر میگرد؛ بخاطر شرایط عینی زندگی دشمن حاضر شرکست در مبارزه است؛ در برابر رژیم مواضع درست دارد، اما ناستاوروگاها و قبال نصییر؛ تجربه نشان دانه است که در شرایطی که عناصر آگاه و انقلابی در محیطی فعالیت نود ه اند، عناصرین قشر بخاطر شرایط عینی زندگی و بیارضاتی شدید شان سرریه "بحانب مواضع انقلابی کشیده شدن و در صف مبارزین قرار گرفته اند؛ نسیرو عمدی مبارزه اقتصادی بی که امروز در ایران میشود، از این قشراست. اینان اکثرآ برای دست زدن به مبارزه ی اقتصاد آماده اند و با لاقه نیروی عظیم انقلاب، اما لکی مارکسیست - لنینیستها همچنان آنها را بدست تبلیغاً رژیم بسرماند، نباید تعجب کرد که در رباره ای موارد، برخی از آنها فریب دشمن از بخر خوردند. می‌توان گفت

در صورتی که بد تبلیغات مستقیم و هدید به بد انقلاب - بیون اکتفا نشود و این قشرد مرعوض یک جریان تبلیغاتی مدام قرارگیرد، در جمع بخاطر شرایط زندگی دشمن مواضع انقلابی را بد برامشود. آنچه در اتاحان مواضع صحیح از جانب اینان نقش بازی میکند، اول تماشا شان با عناصر آگاه و انقلابی کارگر و بزرگوار گراست و دوم تعد اد سال - های عمر کارگریشان.

قدر و م، تشربق مانده؛ اینان اغلب کارگرانی هستند که تازه از روستا بشهر آمده اند؛ بخاطر شرایط زندگی گذشته و فرهنگ خاصی که به آنها تاحمل شده ه، اکثرآ محافظه کارند؛ از مبارزه و اشتغال بیکار شدن در ستن؛ از نیروی جمعی خود آگاهی ند دارند؛ بد توان خود بی باورند؛ در مبارزه شی شرکت نداشته اند و بنا جاسار تجربه تی در ریانوردند. رژیم میتواند در بین اینان کسانی را که باورش کنند، بیاید. معالوف با توجه به شرا - یط دشوار زندگی اینان و ستنی که در آنها را میباید، قرار گرفتن در صف مبارزات، افکار و واضاح متحرک شهر است که میگویم هم اینان نیز نیروی بالقوه انقلاب - بند و این وظیفه مارکسیست - لنینیستها و بگر انقلابی است که بباره اند آختن مبارزات توده شی، اینان را به صف اعتصابات مطالباتی کشیده ه، از این طریق و در جرح - یان مبارزه ی خود شان، آنان را از قدرت متحد خوشی آگاه ساخته، آثار ترس و محافظه کاری و عقب ماندگی را از آنها بزدایند. در این قشر عناصر جالیوسی نیز گاه در ید ه میشوند که این روحیه تعیین کنند ه مواضعشان نسبت د رژیم است. اینان در میان توده ی عظیم طبقه کارگر در اقلیت اند ولی واقعیت اینست که هستند. بهر صورت رژیم در بین طبقه کارگری تهر صید خود را از درون این قشراست که بدست می‌آورد.

همه آنچه تا اینجا گذشت، به آمادگی شرایط رژیم و درگیری با کارگران و بد کی طبقات و اقتسار خلق در ره و وجه تقلا و کوشش دشمن و برنامه ریزیهای ضد انقلابی و فریبکارانه اش، تهاجریک چیز تا کند د ارد و آن ضرورت فعالیت تبلیغی، تهییجی و تشکیلاتی هر چه وسیع تر و فشرده تر در بین مردم است و کاری است که از راه صحبتی با مستقیم آگاهها می‌چند د ه شماره روز - نامه و چند صد شماره اعلامیه ی پرانگه ه هم انجام نرسیت، تاثیر هر یک جلسه گفتگو را د هر یک کفر کارگر به روشنی میتوان دید، اما صحبت از یکفرها نیست. صحبت از طبقه است و از خلق و کار اساسی لازم است. فعالیت گسترده ه همه جانبه ومد اوم. وقتی با توجه به آن شرایط و این نیاز فوری به آنچه انقلابیون میکنند می - گرمیم، میبینیم راستی را میبویزد و بمقابله باد سگانه عیش و مطول رژیم سختن با چیز است و طبیعتاً بر چند اینهم نمیتواند داشته باشد. اگر وظیفه مارکسیست -

لنینیستها و بگر انقلابیون فعالیت سیاسی، تبلیغ و ترویج و کار مشخص سازمانی است باید بد بریم که این کار بسیار آنگه، پرانگه و بیسامان به پیش میروید. به اعتقاد ما ملت اصلی این امر نیزد ریرانگدی مارکسیست - لنینیستهاست و تا زمانی هم که این علت وجود دارد، این وضع بناگزیریائی خواهد بود. ریهای مارکسیست - لنینیست علیرغم انبوهشان سخت پرانگه و بیسامان اند. طی ۶۰ سال اخیر صد ها و هزارها جوان انقلابی به صفوف جنبش انقلابی پیوسته و آمادگی خود را برای وارد

شدند و در برابر مرگ و زندگی اعلام اشتند. اقبال وسیع روشنفکران به انقلاب و به مارکسیسم - لنینیسم در هر گوشه در ید ه میشود. لیکن این نیروی عظیم پرانگه و مست و جان پرانگه ه است بناچار در بگر خرد ه کاری و مباره کاری است. در شرایطیکه طبقه کارگر بد بگر نیرو ههای خلق حضور خود را در میدان مبارزه اعلام کرد ه اند، ما مارکسیست - لنینیستها و بگر انقلابیون ایران به جو - خه های پرانگه ه شی میمانیم که هر یک از سومی میروند و در اندیشه ی کاری دیگرند و روشن است که تاد این وضع ه ستم کاری از پیش نخواهیم برد. نخواهیم توانست هر یک با نیروی اندک خود برنامه وسیع و دراز مدت - برنامه شی که باسخگونی نیازهای جنبش باشد - بریزیم؛ نخواهیم توانست از امکانات موجود استفاده و کنیم و نخواهیم توانست امکانات مورد نیاز مان را فراهم سازیم؛ نخواهیم توانست در رین اقتسار و طبقات مختلف خلق و بویژه طبقه کارگر کار سیاسی و تشکیلاتی در رخور کنیم. دشمن با فعالیت وسیع تبلیغاتی و تشکیلاتی خود بمقا - بله با شرایط انقلابی جامعه برخاسته و برای نمونه در شهر روستا و تاحد ه کانون خوری ساخته و در هر کارخانه یک سون یکای زر د براب داشته است. ما اگر نخواهیم بسا توجه به شرایطی که از آن سخن گفتیم با این اقدام دشمن مقابله کنیم، باید بیک د ه ستمی کومنیستی یا سندن بگای شی در یکی و د کارخانه یا یکی در محله قاع نباشیم، باید در برنامه وسیع برای مقابله با این تهاجم وسیع دشمن داشته باشیم و روشن است که اینکار از هیچیک از سازمانهای پرانگه ه، ستنشای ساخته نیست. اگر صحبت از تشکیلاتی طبقه کارگر است، نه بد ساختن گردن بیک د ه ستمی و در یکی و د کارخانه، انوقت روشن است که اینکار وظیفه تمامی مارکسیست - لنینیستهاست و آنهم نادر این وضع پرانگه ه د روحی ستی استوار، با برنامه روشن و یایکیتی بد بگر تهاج ران حالات است که ما خواهیم توانست از تمامی نیروهای خود استفاده و کنیم، تمامی امکانات موجود را در خدمت بگیریم و بمقابله خود را یکا اقدامات دشمن در برابر رژیم برداریم. لیکن در وضعیت کنونی امروز ه ستم توان برابری با هیچیک از حملات دشمن را ند آرم. نمر هابراکنده است بناچار نیروی هر گر وه ناچیز است. ضرورتاً - با توجه به این ناچیزی و قدرت و امکانات ناچیزش - خرد و برنامه میریزد، و تازه از این خرد و برنامه خرد ه قسمت با ش انجام میدرد. ایسن واقعیت است که بجوشم در ید ه میشود و این امر مد نیز میباشد. کارگران از سبب فعالیت بی حساب، شانه روزی و متحرک رژیم راهی بینند، و از سوی دیگر خرد ه کارهای نا - یگیر انقلابیون را در رین خود که اصلاً با هم قابل مقایسه نیستند، از این روست که توده ه هانیتوانند مارا قاطعی قابل اتکا و نیروشی که بتواند حامیشان باشد ببینند. ما برای توده ه ها جوخه های پرانگه ه شی بنظر میآییم که سه توان مقابله ی جدی با رژیم راند آرد و این امر با رخود ما از سان - رایگ بودن نوازندگی کار سازمانی ما موثر است.

د رین قشراست. اینان اکثرآ برای دست زدن به مبارزه ی اقتصاد آماده اند و با لاقه نیروی عظیم انقلاب، اما لکی مارکسیست - لنینیستها همچنان آنها را بدست تبلیغاً رژیم بسرماند، نباید تعجب کرد که در رباره ای موارد، برخی از آنها فریب دشمن از بخر خوردند. می‌توان گفت

در صورتی که بد تبلیغات مستقیم و هدید به بد انقلاب - بیون اکتفا نشود و این قشرد مرعوض یک جریان تبلیغاتی مدام قرارگیرد، در جمع بخاطر شرایط زندگی دشمن مواضع انقلابی را بد برامشود. آنچه در اتاحان مواضع صحیح از جانب اینان نقش بازی میکند، اول تماشا شان با عناصر آگاه و انقلابی کارگر و بزرگوار گراست و دوم تعد اد سال - های عمر کارگریشان.

قدر و م، تشربق مانده؛ اینان اغلب کارگرانی هستند که تازه از روستا بشهر آمده اند؛ بخاطر شرایط زندگی گذشته و فرهنگ خاصی که به آنها تاحمل شده ه، اکثرآ محافظه کارند؛ از مبارزه و اشتغال بیکار شدن در ستن؛ از نیروی جمعی خود آگاهی ند دارند؛ بد توان خود بی باورند؛ در مبارزه شی شرکت نداشته اند و بنا جاسار تجربه تی در ریانوردند. رژیم میتواند در بین اینان کسانی را که باورش کنند، بیاید. معالوف با توجه به شرا - یط دشوار زندگی اینان و ستنی که در آنها را میباید، قرار گرفتن در صف مبارزات، افکار و واضاح متحرک شهر است که میگویم هم اینان نیز نیروی بالقوه انقلاب - بند و این وظیفه مارکسیست - لنینیستها و بگر انقلابی است که بباره اند آختن مبارزات توده شی، اینان را به صف اعتصابات مطالباتی کشیده ه، از این طریق و در جرح - یان مبارزه ی خود شان، آنان را از قدرت متحد خوشی آگاه ساخته، آثار ترس و محافظه کاری و عقب ماندگی را از آنها بزدایند. در این قشر عناصر جالیوسی نیز گاه در ید ه میشوند که این روحیه تعیین کنند ه مواضعشان نسبت د رژیم است. اینان در میان توده ی عظیم طبقه کارگر در اقلیت اند ولی واقعیت اینست که هستند. بهر صورت رژیم در بین طبقه کارگری تهر صید خود را از درون این قشراست که بدست می‌آورد.

همه آنچه تا اینجا گذشت، به آمادگی شرایط رژیم و درگیری با کارگران و بد کی طبقات و اقتسار خلق در ره و وجه تقلا و کوشش دشمن و برنامه ریزیهای ضد انقلابی و فریبکارانه اش، تهاجریک چیز تا کند د ارد و آن ضرورت فعالیت تبلیغی، تهییجی و تشکیلاتی هر چه وسیع تر و فشرده تر در بین مردم است و کاری است که از راه صحبتی با مستقیم آگاهها می‌چند د ه شماره روز - نامه و چند صد شماره اعلامیه ی پرانگه ه هم انجام نرسیت، تاثیر هر یک جلسه گفتگو را د هر یک کفر کارگر به روشنی میتوان دید، اما صحبت از یکفرها نیست. صحبت از طبقه است و از خلق و کار اساسی لازم است. فعالیت گسترده ه همه جانبه ومد اوم. وقتی با توجه به آن شرایط و این نیاز فوری به آنچه انقلابیون میکنند می - گرمیم، میبینیم راستی را میبویزد و بمقابله باد سگانه عیش و مطول رژیم سختن با چیز است و طبیعتاً بر چند اینهم نمیتواند داشته باشد. اگر وظیفه مارکسیست -

لنینیستها و بگر انقلابیون فعالیت سیاسی، تبلیغ و ترویج و کار مشخص سازمانی است باید بد بریم که این کار بسیار آنگه، پرانگه و بیسامان به پیش میروید. به اعتقاد ما ملت اصلی این امر نیزد ریرانگدی مارکسیست - لنینیستهاست و تا زمانی هم که این علت وجود دارد، این وضع بناگزیریائی خواهد بود. ریهای مارکسیست - لنینیست علیرغم انبوهشان سخت پرانگه و بیسامان اند. طی ۶۰ سال اخیر صد ها و هزارها جوان انقلابی به صفوف جنبش انقلابی پیوسته و آمادگی خود را برای وارد

د رین قشراست. اینان اکثرآ برای دست زدن به مبارزه ی اقتصاد آماده اند و با لاقه نیروی عظیم انقلاب، اما لکی مارکسیست - لنینیستها همچنان آنها را بدست تبلیغاً رژیم بسرماند، نباید تعجب کرد که در رباره ای موارد، برخی از آنها فریب دشمن از بخر خوردند. می‌توان گفت

د رین قشراست. اینان اکثرآ برای دست زدن به مبارزه ی اقتصاد آماده اند و با لاقه نیروی عظیم انقلاب، اما لکی مارکسیست - لنینیستها همچنان آنها را بدست تبلیغاً رژیم بسرماند، نباید تعجب کرد که در رباره ای موارد، برخی از آنها فریب دشمن از بخر خوردند. می‌توان گفت

چنانچه رژیم عراق بد نیال سازمانده انقلابی با تانسیسم

رژیم فاشیستی عراق بد نیال سازمانده انقلابی با تانسیسم پهلوی و سرکوب خونین و قتل عام و خنثی شدن خلق قهرمان کرد در این کشور که حاصل مستقیم خیانت و جنایت سه بنده فاشیستی، توشوینتسهای بیکار، کتل و دیار توطئه گهلوی و دارود سگنا خاثن ومزور و ملامضاتی بارزانی بود، ه کوچاندن توده های خلق کرد از شمال به شهرهای جنوب عراق تا یک سازی شمال و طن نیز از ایزنازاده ها بگرد و آواره ساختن آنان - دست همان کاری که صهیونیستها در سال ۱۹۴۸ با مردم فلسطین کردند - شگنجیه و خنثی شدن و اندامهای ستم جمعی از انقلابین د لاورد برداخت. موج آزاره سازی مردم و اندامهای گوهی از انسان ریبوسی، توطئه گرانته شاه و مدام حسین در الجزایر تا کنون، یک روز توفت گفتمند و خلقی قهرمان کرد که علیرغم خیانت رهبری نوزیک به دسال با لاوریتام در برابر همه ی مبارزانی شانه روزی رژیم دست بانداری کرده و توطئه با سفاکی کشه توطئه ی سکوت امپریالیستها و سوسیال - امپریالیستها بویجو د آورده ه، مدام قربانی مید ه. کشمیدی بخون توجوه اینست که رزی که اینجین دست جنایت علیه خلق کرد کشه و جنایات هنظر و فحاح صهیونیستها را تا کنون مرگد، رژیم مؤلف حزب بعث، حزب ریبونیتس عراق است. ریبونیتس یهود روبر سربرید و عراقی این خواهان تنی گتمینه ی بزرگ تر صید توده ه تمام این تهاکارها را تا بنید و ملامضاتی می کند، ه این دلیل که " در کنون رژیم شرقی برقرار کرده ه و اتحاد انقلابی ایجاد شده است." اتحادیه ی جنبش پرستان کرد عراقی اعلامیه اورهید از گفتمند - اوزان با جنبیات برگرفته ه مختصر ارجانید:

بین اولیه و مارس ۱۹۷۷ پیش از ۵۰ نفر کرد زندانی شده اند که ۱۰ نفرشان در انتظار اعدام اند؛ روز ۱۳ / ۴ / ۷۷ ده نفر از انقلابین کرد اعدام شده اند؛ ۸ / ۸ / ۷۷ بد بکفرکرد جسم دریافت نامه ای از یکی از خویشان دشتک بخش پیوسته بود؛ اقدام شده است؛ بد در اثنای ۱۸ ساله ۳ / ۷۷ ه جوان ۲۵ ساله ۲ / ۲ / ۷۷ ه و دانشجو سال دوم کنابوزی در ۱۲ / ۷۷ ه یک دهقان ۵۰ ساله د روزن ۷۷ ه و در رژیم ۲ فقر دروات و ۱ فقر اعدام شده اند. در تمام موارد با نام تشبیهان د بوده، اورهید، مژورمانده است.

د ضرورت ...

کارگران میبوشیم - و بارها بارها - که باین نیروی کم کاری نمیشود کرد... یکی در نفوذ و نه در کارگری آرایش نیروی و در واقع مابین آرایش کارگران ضرورت وجد زمان را می شنوم . این حقیقت، ایشونیم که تاخیرهای مارکسیست - لنینیست متحد شوند و ازوجه نشان کیفیت توین حاکم صل نگردد، در کاری آرایش نمیتوانند برد، و نمیتوانند در نظر مردم نیروی قابل اتکا* حساب آیند. رفیق هوشی مین گفت: ... بدون چنین اتحادی (اتحاد فکر و عمل تمام کمونیستهای حزب) نمیتواند کارگر و کشاورز شی خواهیم بود که از هر طرفش یک صد ای ناموزون بیرونی مآید و آنگاه هرگز قادر نخواهیم بود تود و هار اهری کیم و انقلاب را بر سر انجام رسانیم. * وضعیت جنبش کمونیستی ناموزون توسته گویانی اشت بر ای این گذشته رفیق هوشی مین، هر کس ساز خود را میزند و در وساز بسا یک نوانیتوان شنید. حتی در نفوذ جمع این اکثریت همتوان گویستند و از این وضع چه انتظار متوزان داشت؟ در شرایطیکه طبقه طبقاتی از هر طرف نامورد بگردد و هسای خلق خود در رژیم ماروز اند، راستی این وضع از جانب ما نابخشونی است. شرایط امروزین جامعه نیاز به یک کاروسیع و سراسری تبلیغی-ترویجی و تشکیلاتی در این و آنکار نیاز به یک نیروی متحرک که تمام دستها ومقرضا مارکسیست - لنینیستی را خود جمع داشته باشد. در صورتیکه ماد وقت ومثل سخت برآید که امپرواریستها بدون، یعنی نیروی فکری و عملی لازم بر ای انجام وظایف تبلیغی - ترویجی و تشکیلاتی در میان تود و نه داشتن یعنی بنیاد امروز جنبش پاسخ ننگدن، و در چنین وضعی توقع رشد مبارزات سیاسی تود و نه داشتن اشتباه است و نجات طبقه کارگرتود و نه هسای خلق از جنگال تبلیغات مسوم رژیم واید تلوولهای ارتجاعی محال. بیس جانب صحیح به این شرایط، فعالیت مشترک، همسو و بسا برنامه ای تمام مارکسیست - لنینیستها بر ای ایجاد حزب است و همه چیز بر رستی این امر گوی میهد. هم آمادگی طبقه کارگرتود بگردد و هسای خلق هم روی آورد صد ها هزار ارجا جوان انقلابی به مارکسیسم - لنینیسم و انقلاب وهم تغلا و کوشش بیحساب در شمن که اینست همه ضرورت و امکان کار بستر وساسی تر کونیستها تا کید میکند ویرا کیدگی این عزیزین سنگ است در این راه. در رزمین معنی کاری بیرون برآند گی گریبا نگر جنبش در شوار یهای بسیار مآیورد وضرات مهلك بر ما وارد میسازد. این برآندگی ماه ضعف و عدم استحکام و ملاحظه آمانوری بودن تشکیلاتهای ماراباعت میگرد و در طولی آن رامیگرد که در زمین افراد تقسیم کار از باقت ایجاد گشته و افراد در هر کجوت تخصص در رشته خویش گردند. باقت میگرد که هر حزب مجبور باشد مرتب افراد شی در جا بجا کند و بد ترتیب طبیعی است که کاد متخصص برورش نیاید. این برآندگی باقت میگرد که ما نتوانیم در لحظی لازم از امکانی که خود نافذ انیم لیکن بسه احتمال زیاد در اختیار بگرنیروهاست و آنها چه بسا خود نیاز به آنند آرنه استفاده کمیم. و بدین ترتیب امکانی در گوشه میگند و بگردد بخاطر فقدان اشتها همان امکان ضربه میخورم. کم نیست گروههایی که بخاطر ند داشتن يك امکان کوچک و اولیه، فرضا بر ای مخفی گردن يك فرد نورفتهی خود، یا فرآهم گردن يك سرویش طبیعی جهت کاری مشخص مورد شك پلیس قرار گرفته و در آخر ضرات شد بد خورد و اند. در حالیکه همان امکان لازم در همان زمان در اختیار بسیاری از دیگر گروهها بود و در صورت ارتباط نمیتوانستند کمک کرده و ایسانرا تمدن ضایعه شی جلوگیری کنند.

تازمانیکه برای تأمین وضع مالی، تبلیغ در سطح وسیع، بخش نضریات، هدایت مبارزات تود و نه ارتباط با گروههای مختلف مردم ... نتوانیم کاد مشخص و ثابت تربیت کرده و بگدریم و مجبور باشیم افراد امر- تب بچرا کنیم، بای معنی کاریمان خواهد لنگید و حتی اگر سیاست تشکیلاتی در رستی هم اتخاذ کرده باشیم باز ضربه خواهیم خورد و تأمین همی اینها در گردن اند. شتن نیرویی وسیع است، نیروی که با خود امکان تسی وسیع نیز داشته باشد. این نیرو و امکانات را امروز جنبش ما داراست، لیکن برآندگی است، و طبیعی است که از هیچیک از گروهها و سازمانهای موجود امکان انجام بخشی از این کارها نتوانسته نباشد. جنبش امکانات فراوان دارد، لیکن برآندگی باقت هرز رفتن این امکانات در رجاهائی وضربه خورد شی در رجاهائی بگردد شود. اما لحظی شی فکر کنیم و ببینیم در صورتیکه تمامی این امکانات برآندگی، محدود و بد در رتون هر یک گروه اتفاق و متغیر جمع گردند و در اختیار یک رهبری راستین و یک تشکیلات متحرک قرار گیرد تا چه پیشرفت کار را تسریع خواهد کرد؟ پس برای اینکه بتوانیم همی این امکانات را بکار گیریم، باین امکانات لازم را راکسه در اختیار داریم فرآهم سازیم، تقسیم کار از باقت تب بین

افراد بوجود آوریم، متخصص تربیت کنیم و کاد رحرده شی سازیم (که بدون انجام این سه جزأ خیرصحتی از کار انقلابی جدی گردن نمیتواند در میان باشد)، برای افراد در رستههای خود که هر روز تفریحش نمید هند، سرویش طبیعی مطمئن- سرویشی که دره شی شك پلیس را بسر نینگیزد - سازیم و بدین ترتیب ضربه بذری را بدر - صد ی بالا، بایشن آوریم باز باید متحد گردیم و نه این دوران برآندگی که مایعی بسیاری خسرا نهایی جنبش بود و پایان همیم. پس جواب در رست تشکیلاتی نیز به شرایط موجود برخلاف اعتقاد کاینکه میگویند در رهرا - بط کار سختی اتحاد گروهها به معنی کاری لطمه میزند. وحدت مارکسیست - لنینیستها و تشکیلاتی است. در رزمین تئوریک نیز برآندگی مارکسیست - لنینیستها باعث شده که خطوط انحرافی همچنان به حیات خود در رجنش ادامه دهند و بدین ترتیب در اغیای رهبری نیز داشته باشند. اشتغلی و برآندگی تئوریک که در میان مارکسیست - لنینیستها هست باعث شده که این جوخه های برآندگی در لحاظ نقشه و برنامه نیز نا- همگون بود و اوصولا درك واحدی از زیر و بم ارتش دشمن و جنگونی زمین بردن آن و بدست یافتن به پیروزی نیا- شی ند داشته باشند. باز همین برآندگی تئوریک باعث گشته که اید تلوولی های غیر پیرونتری وضد برآندگی نیز ستوانند در کارهای تلوولی و پیرونتری زندگی خود ادامه دهند و گاه حتی تمیزشان از هد بگیری امکانی در شوار باشد. روزیونیتها و تروتسکیتها، این دشمنان پرولتاریا و انقلاب و خاتین مارکسیسم - لنینیسم هم، چنان های و دستی بتن گرد و بحیثیت ضد انقلابی خود در رجنش ادامه میدهند. با اینان هنوز مبارزتی تعیین کنند های صورت نگرفته و نباید هم انتظار داشت که خود سنگرتبکاری راه گانند. در زمین حال انجام مبارزی اید تلوولیکی در خوری نیز که اینان را انسان کند شایسته است افتخار ساخته، برای همیشه خطر شان را از انقلاب مرتفع سازد، در رتوان هیچیک از این نیروهای که ما امروز میشناسیم نیست. آمانی تود بدیوید دستها ومقرضا که میگردند و هسای خلق از جنگال تبلیغات مسوم رژیم واید تلوولهای ارتجاعی محال. بیس جانب صحیح به این شرایط، فعالیت مشترک، همسو و بسا برنامه ای تمام مارکسیست - لنینیستها بر ای ایجاد حزب است و همه چیز بر رستی این امر گوی میهد. هم آمادگی طبقه کارگرتود بگردد و هسای خلق هم روی آورد صد ها هزار ارجا جوان انقلابی به مارکسیسم - لنینیسم و انقلاب وهم تغلا و کوشش بیحساب در شمن که اینست همه ضرورت و امکان کار بستر وساسی تر کونیستها تا کید میکند ویرا کیدگی این عزیزین سنگ است در این راه. در رزمین معنی کاری بیرون برآند گی گریبا نگر جنبش در شوار یهای بسیار مآیورد وضرات مهلك بر ما وارد میسازد. این برآندگی ماه ضعف و عدم استحکام و ملاحظه آمانوری بودن تشکیلاتهای ماراباعت میگرد و در طولی آن رامیگرد که در زمین افراد تقسیم کار از باقت ایجاد گشته و افراد در هر کجوت تخصص در رشته خویش گردند. باقت میگرد که هر حزب مجبور باشد مرتب افراد شی در جا بجا کند و بد ترتیب طبیعی است که کاد متخصص برورش نیاید. این برآندگی باقت میگرد که ما نتوانیم در لحظی لازم از امکانی که خود نافذ انیم لیکن بسه احتمال زیاد در اختیار بگرنیروهاست و آنها چه بسا خود نیاز به آنند آرنه استفاده کمیم. و بدین ترتیب امکانی در گوشه میگند و بگردد بخاطر فقدان اشتها همان امکان ضربه میخورم. کم نیست گروههایی که بخاطر ند داشتن يك امکان کوچک و اولیه، فرضا بر ای مخفی گردن يك فرد نورفتهی خود، یا فرآهم گردن يك سرویش طبیعی جهت کاری مشخص مورد شك پلیس قرار گرفته و در آخر ضرات شد بد خورد و اند. در حالیکه همان امکان لازم در همان زمان در اختیار بسیاری از دیگر گروهها بود و در صورت ارتباط نمیتوانستند کمک کرده و ایسانرا تمدن ضایعه شی جلوگیری کنند.

تازمانیکه برای تأمین وضع مالی، تبلیغ در سطح وسیع، بخش نضریات، هدایت مبارزات تود و نه ارتباط با گروههای مختلف مردم ... نتوانیم کاد مشخص و ثابت تربیت کرده و بگدریم و مجبور باشیم افراد امر- تب بچرا کنیم، بای معنی کاریمان خواهد لنگید و حتی اگر سیاست تشکیلاتی در رستی هم اتخاذ کرده باشیم باز ضربه خواهیم خورد و تأمین همی اینها در گردن اند. شتن نیرویی وسیع است، نیروی که با خود امکان تسی وسیع نیز داشته باشد. این نیرو و امکانات را امروز جنبش ما داراست، لیکن برآندگی است، و طبیعی است که از هیچیک از گروهها و سازمانهای موجود امکان انجام بخشی از این کارها نتوانسته نباشد. جنبش امکانات فراوان دارد، لیکن برآندگی باقت هرز رفتن این امکانات در رجاهائی وضربه خورد شی در رجاهائی بگردد شود. اما لحظی شی فکر کنیم و ببینیم در صورتیکه تمامی این امکانات برآندگی، محدود و بد در رتون هر یک گروه اتفاق و متغیر جمع گردند و در اختیار یک رهبری راستین و یک تشکیلات متحرک قرار گیرد تا چه پیشرفت کار را تسریع خواهد کرد؟ پس برای اینکه بتوانیم همی این امکانات را بکار گیریم، باین امکانات لازم را راکسه در اختیار داریم فرآهم سازیم، تقسیم کار از باقت تب بین

مرکزی که باند جیره خوار سوسیال - امپریالیسم روس است که طی سالیان دراز کید شده همیشه سیاست تابعی بود و از سیاستهای ضد انقلابی و نارنگر ایدئولوژی خرد شیف و وارانش، وطن همین سالیان هم بروشی نشا در اد که آنچه بد این معیاند بشد مصالح انقلاب و خلق ماست و آنچه برایش اهمیت دارد تنها و تنها مافسع امپریالیستی اربابان جهان نشوار میباشند. این باند نه حتی بد طبقه کارگر، نه گروهی از مبارزین طبقه کارگر و نه حزب یک گروه انقلابی بدست کم ملی ومترقی، بلکه یک ملت بدست ضد انقلابی وضد کمونیستی است و این را امروز کارنامه ی سیاخ گذشته اش خوب نشان میدهد. امر و در که شرایط جامعه آماد شده و تود و هسای رنجده یعنی مردم ما - همان رنجمتگن کورگسده شی که بکار بد نسال این شیان در حرفه شی طالب جوی رفتند تشنه بساز گشتند - بحرکت در آمدند، اینان در باره فلیش با ن یاد میدستان کرد و، بخیا ل "سرتگن گردن رژیم افتنا- در اند و شعرا انحرافی جنبش و احد شان اعلام کرده اند. جسمه شی که بخشی از آنرا نیز امپریالیستهای و رند اند یث وجنا حیاتی از طبقات حاکمه باید تشکیل دهند. واقفشی اینست که این نه شعرا جسمه، بلکه شعرا سا- زشی است با طبقات حاکمه بر ای بریدن و سرانقلاب و مارکسیست - لنینیستها و اینها که از باند های هم اخیر- شان در رگروه های اطراف کمتریستند. اینان با طرح شعرا "جبهه ی واحد خود در برابر شعرا " ایجاد حزب" مارکسیست - لنینیستها میخواهند بار دیگر جنبش را از ایجاد سازمان رهبری کنند و باز داشته آنرا از هسری پرولتاریا محروم کنند. این شعرا انحرافی کیمته مرکزی و کلاماً ما هیئت خود و سیاستهای ضد انقلابی شی بدست یا اشتراک در رهبری و روشی بر نفوذ اینان در جنبشش انقلابی سته شوب.

۲- تروتسکیستها هنوز در رجنش ایران آن نیروی نیستند که ستوانند خطری ایجاد کنند. اینان را ما هیئت سیاستها و فعالیتهای عمیقاً امپرونیستی خود شان بهی در رسی افشا ییان میکنم. اما گفتی است که تروتسکیستها معمولاً طرفدار وحدت غیر اصولی اند چرا که براحتی نیز میتوانند انشعاب کنند، برای اینی وحدت و انشعاب بیک اند از ریش واهیمت در ارد و در رن گذشته از این و در خط ضد کمونیستی در درون جنبش کمونیستی نیز نظریات انحرافی شی در این زمینه هست:

۱- مارکسیست - لنینیستهای که تشکیلات جبهه واحد هم بر حزب میدانند. ماد رجائی (رقابتی است) نظرات خود را در مورد این شعار که از طرف رفاقی حاکم طرح شده بشرح اعلامی اشتباید. در اینجا تنها بگویم که طرفه ان را ن این شعار کیفیت رانده ای کیمت میکنند و همین دلیل هرگز به کیمت دلخواه نیز نمیروند. تجربی جنبش سال- های ۲۲-۲۰ و همچنین جنبش انقلابی فلسطین نا- در رستی این شعار به رسیونیتها نشان میدهد. این بارها و بارها به اثبات رسیده که در در حالتهای برآندگی مارکسیست - لنینیستها در درون جبهه رهبری بهتر و بیل بدست خرد و بورژوازی خواهد و بدین رهبری جز کمونیست، رهبری شی برآندگی رجنش امکان پذیر نیست. ماننا یج و تفاوتی لویت در اند به شعار تشکیل جبهه بر حزب را امروز در جنبش فلسطین بروشیونیت، شی برآندگی رجنش حاکم نیست، تفرقه و جند در شتن هر روز رنجورهایش را تخلیل میبرد، راه نفوذ در آن هر هیچ یک از ولت های ارتجاعی غرب و حتی غیر غرب بسته نیست؛ و طبعاً وجود خلقی آنچنان در لرونفد کار گریعرم وجود قدرت رزی بسیار انقلاب هنوز نتوانسته بمسائل اس- سی خود پاسخ گوید و بر سر مهم ترین مسائل خود موضعی واحد داشته باشد. بهر وون تکیه بر تجربیات گذشتهی جنبش خود مان و جنبش در خفتها، از جمله انقلاب خلق قهرمان فلسطین، است که میگویم لویت در اند به شعار تشکیل جبهه نان رست است. لویت در اند به شعار تشکیل جبهه:

الف - بجای وحدت اید تلوولیک - تئوریک جنبش کوم- نیستی، و بسا ی وحدت تشکیلاتی این جنبش در حزب طبقاتی کارگر، به برآندگی اید تلوولیک، تئوریک و سیاس- شی تشکیل جنبش مبرهرا میزند و گروهها و سازمان- های مارکسیست - لنینیست را با گروههای غیر سار- کیمت - لنینیست که در ای اختلافات بیشتر است هستند در یک ردیف قرار میدهند.

ب - جبهه راد رهبری جنبش قرار داد و، رهبری را از طبقه کارگر بگیرد و اعمال رهبری تئوری مارکسیستی - لنینیستی را رجنش ناممكن میسازد.

ج - بهر ایی وحدت را برای جلب عناصر و گروههای غیر پرولتاریایی بآورد که این خود در شرایط عدم وجود حزب باعث بی نتایج در صعوف انقلاب میگردد و - نظریات انحرافی در بگرد رجنش نظریات آنها شی که خود رازح میمانند و بدین ترتیب از یکسو وحدت در مار-

کمیست - لنینیستها را اعلامی میکنند و از سوی دیگر باند ارتدوگوسنی مملو از جدهای جنبش کمونیستی خارج از خود را تقی میکنند. اینان به اشتباه جوخه را بجای ارتش میگردند. تفرقه گرائی و خود مرکز بینی آنها، آنانرا به جایی میرسد که کل جنبش را بجز گروه خود نفی میکنند و از راهی در بگرد راه وحدت مارکسیست - لنینیستها سنگ میاند آرنند. حتی کارگر با آگاهی که میگوید باین چند نفر کاری نمیشود کرد، بهتر از اینان از جنگونی سردی در ر بپیش است آگاه است.

به اعتقاد ما این نظرات همه انحرافی اند و هر یک بگونه ای این مرم ترین وظیفه ی کنونی کمونیستها را نادیده گرفته یار راه انجامش سنگ می اند آرنند. شرایط جامعه، وضعیت جنبش، تجربیات گذشته و اصول اید تلوولیک - تئوریک ما همه گواه بسر ضرورت وحدت کمونیستها و تشکیل حزب برای پیشبرد وظایف جنبش انقلابی، در آمدن از این بست برآندگی و خرد و کاربای کونی و بالا خره رهبری انقلابند. کوم- نیست کومنیست ریخان مواعظی گفت: بدین رهبری حزب آزادی کشور امکان پذیر نیست. و فرزند راستین، کارگر قهرمان آگاه هوشنگ تره گل در دید آگاه نظامی شاه گفت: من مخاطراب ایجاد یک سازمان انقلابی فعالیت و تلاش کرده ام، زیرا همانطور که مطلق تجربیات تاریخی مبارزات ملت ما ثابت کرده است، هیچ مبارزانه ی نمی تواند به پیروزی برسد مگر با داشتن تشکیلات محکم، منضبط و انقلابی. وجود یا عدم وجود چنین تشکیلات انقلابی در خود تعیین کننده ی پیروزی یا شکست نهضت های انقلابی در کشورها شی چون ماست، هدف من از اینهمه فعالیت باخطرا ایجاد سازمانی وسیع و انقلابی با انضباطی سخت و اهین در سراسر ایران بود. آنچنان سازمانی که از فعالترین، آگاهترین و مؤمن ترین افراد موجود است و اذاره شوب. تاروزی که در کشور ما چنین سازمانی بوجود نیاید امکان هرنوع مبارزه ای میسر نخواهد بود.

اما این حزب را چگونه میتوان بوجود آورد؟ از این جنبه های برآندگی هی امروز چگونه میتوان آن ارتش منظم، منضبط و متحرک را ساخت؟ و چگونه میتوان از هم بیوستن این هسته ها و گروهها را جمع گردی را بوجود آورد که غا- مل رهبری کید شی انقلاب و به پیروزی رسانند؟ میماند روشن است که با خواست تنها داشتن، با احساس لزوم ایجاد شی را گردن و با حرف تنها زدن نمی شود حزب ساخت، بلکه کار مشخص میخواید فعالیت همسو و برنامه ای از جانب همی کمونیستها ایجاد میکند. در این امر بیش از هر چیز جند ننگه باید توجه شوب:

۱- کار ایجاد حزب کار یک گروه و تشنه ی نیست وظیفه جمعی هم مارکسیست - لنینیستها، وظیفه همی آنها- نی است که به شی و تئوری مارکسیستی لنینیست معتقد اند. بنابراین در رهبر حزری هر برنامه و نقشه شی برای ایجاد حزب به این نکته باید توجه داشت.

۲- برای رسیدن ب وحدت کامل، وحدت اید تلوولیک و سیاسی لازم است. بنابراین در رستی یک شی باید در برخورد با یک شی ها و دوی رضعتی عمل به اثبات برسد. باید همه نظرات خود را روشن طرح و ارائه کنند. اید- تلوولیهای ارتجاعی و سیاستهای ضد انقلابی ریز شو- نیستی - تروتسکیستی باید افشا و طرد شوند، با خطوط انحرافی چریکی و اکرونیستی باید خط کشی روشن ومتا- یز بعمل آید. بدین نظرات مختلف برخورد و مبارزه صورت گیرد تا رزون بین جریان شی صحیح پرولتاریت بدست آید. بعبارت دیگر ایی وجود آوردن وحدت اید تلوولیک در سطح جنبش کمونیستی هیچ راهی نیست مگر به عمل. باید هرگز و وسازمان به عرضه خط شی ومعتقد آ خود برداخته و حتی العق و در مقابل خطوط موجود در جنبش، موضع خود را روشن کرد. چه این کار ساده ترین راه ارتباط با گروهها و ایجاد بحثها یی در رجنش است. کاریکه در سطح ارتباط فردی و مقدر نیست، انگلس مبارز اید تلوولیک را یکی از سه شکل مبارزه (سیاسی - اقتصادی - اید تلوولیک) میداند. و اهمیت این مبارزه مخصوصاً برای جنبش مارکسیست - لنینیستی مابسیار است، چرا که در گذشته مان نیز تجربی ممت و جتم- گبران آن کم در رو و هی تود و معیار های یو- زوائی یکام معیار های پرولتاریا گردند و در این مورد سوگ یابحثهای فردی و خصوصی جای انتقاد و مبارزه اید تلوولیک را که از مزه پیشبرد جدی شوب، گرفت. انتقادات کمونیست قهرمان و سازمانده بنظر خسرور و عشهبد بجز تود که گفت: من حزب توی هی ایران را اصلاح طلب بید اصلاح ارسوبیها فریمت میداند، یعنی حزب تود و ایران میخواهد از طریق اطرین با لین و روسی اوضاع ناگوار این کشور و بدست رخت را اصلاح کند، و در صورتیکه من شیفتهی انقلاب هستم ومیل دارم که با یک

رولوسیون بحساب طبعی حاکم رسیدگی کرد و انتقام خون میلیونها کمونیست و رنجیده زدی وظلم ایسین طبقه از گرسنگی مرده و یار زنده آنها جان سپرد و اندک گرفته شود. بقول مرحوم دکتر امامی "محصول انقلاب حقیقت است. اردو ما باید به این حق طبیعی نایل شویم و انزما برای آن بر خود اگر دریم ، این حق اینکه مورد توجه کمونیستها قرار گیرد و آنها را بیگناه بچاند انقلابی بی که روزنه شیفتهی است و آند اردو ، بغراموشی سپرده شد. در تمام آن دوره تنها حبشهای معدود و کلفتی صورت گرفت که آنها هم با یار کاره اش، سکوت، فراموشی، سرکوب یا سازش بود و حاصل این سکوت و فراموشی و سد زشمار و رصحنه اختلافات آید تلولوژیکی، حزب تود بود که ما اینکه همنه کمونیستهای آن، ویرانگری از حزب تود به مشکل داشت با یک حزب پرولتری از زمین تا آسمان فرقی داشت. و نتیجه اینکه یک دوران طولانی جنبش ما از داشتن رهبری انقلابی محروم ماند .

گذشته از جنبش خود مان در سطح منطقه نیز در زمینه مبارزه ای تلولوژیکی نموندی ضمت سازمانده نسبی که مدد کار باشد ند آریم . در دوران جنبش فلسطین لوزم مبارزه ای تلولوژیکی بغراموشی سپرد و شد ، اکثر آسیا- ست سکوت و گلایه های درونی برای مدت طولانی و ناگاه انفجاری سخت و خصمانه آژامود کرد ، جای مبارزه ای- تلولوژیکی رفیقانه را گرفته است و نتیجه اش نیز تود می شود. از یکطرف مجموعه جنبش، در ضعف تئوریک بر سر میرد و از سوی دیگر بر سر مبارزه ای تلولوژیکی غیر یونیفرم قضا کرد و اندک و حاصل اینکه جنبش قادر بر حل مسائل دشوار و پیچیده می مقابل خود نیست. بنابراین ما اگر خواهان سازش تئوریک جنبش و از میان بردن گریزهاست ناد رست و انحراف سیاسی هستیم باید در گرایش مبارزه ای همدانی شویم و صریحا موضع بگیریم . باید از آن گذشته و این حال در رس بگیریم و از هرگونه کم بهاد ان در مبارزه ای تلولوژیکی بپرهیزیم.

۱- نظریه که میگوید : بهترین کاریکه میتوانیم برای وحدت انجام دهیم اینست که بیان طبیفی کارگر و دهقان پرورییم . مضمون این حرف اینست که بهترین کار برای وحدت تا ان امنی برانگیزی است. این نظر در واقع هیچ طرح مشخصی برای وحدت ندارد. تنها بیک شعار عام و کلی که هر زمان در دست است و رفتن میمان تود ه هائیسند ه میکند . امروز گروهها و دسته های سیاسی ری هستند که در میان کارگران و بد یگزین حکمکنان مشغول فعالیت اند؛ اما همانطریق گفته شد بخاطر عدم اتحاد شان و نتیجتا بخاطر کمکی نیروها و امکان نشان مستطیاتی قادر با انجام وظایفی که جنبش پیش پایشان نگذاشته و حمل مسائل و مشکلاتی که با آن روبرو نیستند و نتیجه بناچار درگیر خرد ه کاری میشوند. اگر حال ما بگوئیم راه حل یا بماند ان نه این حرفه ای که کاری به این تفرقه و جدائی در جنبش، اد امنی همین تفرقه و پراکندگی است، و روشن است که چه بندی " کمونیستها اد ه ام .

جوابیه این جزوه بعنوان روش پرزدهش مطرح میکند هیچ چیز را حل نمیکند ، بلکه بهد اتلاف وقت و خرد ه کاری ما من میند. اگر معتقد بهد گامی بسیار بسیار مؤثر و روزی تعیین کنند ه در تمام این زمینه هابرد اردو ، و معبارت و پیگیری تود به صم- ترین نیازهای امروز جنبش پاسخ گوید . لیکن نسا گفته بید است که انجام کامل این کار نیز چون هر کار اساسی د بگزینک یاد و گروه ساخته نیست. طبیسی است که ما با اعتقاد راسخی که بد رستی آن در اریم- و روز بروز تشریباتی جامعه و جنبش و عمل خود مان ، ایس اعتقاد ما را راسختر میکند . در رحد خود به انجام آن میگوئیم . لیکن اجرای کاملش را- از نظر محتوا و کیفیت و از نظر شعاع عمل در سطح جامعه- موقوف به باری گروه- هائی د بگیریم . انیم که امید داریم بد این گروهند . ما حاضر شنیدن ن ظرات مخالفه ، موافق و تکمیلی این- بر نامه خویش هستیم . البته کسانی تاکنون به تصریح یا به کنایه و اشاره خرد ه هائی به این طرح گرفته اند که در فرصتی د بگیره آنها بر خود خواهیم کرد .

۲- نظریه ای که میگوید : بهترین کاری که میتوانیم برای وحدت انجام دهیم اینست که بیان طبیفی کارگر و دهقان پرورییم . مضمون این حرف اینست که بهترین کار برای وحدت تا ان امنی برانگیزی است. این نظر در واقع هیچ طرح مشخصی برای وحدت ندارد. تنها بیک شعار عام و کلی که هر زمان در دست است و رفتن میمان تود ه هائیسند ه میکند . امروز گروهها و دسته های سیاسی ری هستند که در میان کارگران و بد یگزین حکمکنان مشغول فعالیت اند؛ اما همانطریق گفته شد بخاطر عدم اتحاد شان و نتیجتا بخاطر کمکی نیروها و امکان نشان مستطیاتی قادر با انجام وظایفی که جنبش پیش پایشان نگذاشته و حمل مسائل و مشکلاتی که با آن روبرو نیستند و نتیجه بناچار درگیر خرد ه کاری میشوند. اگر حال ما بگوئیم راه حل یا بماند ان نه این حرفه ای که کاری به این تفرقه و جدائی در جنبش، اد امنی همین تفرقه و پراکندگی است، و روشن است که چه بندی " کمونیستها اد ه ام .

۳- نظریه ای که میگوید : بهترین کاری که میتوانیم برای وحدت انجام دهیم اینست که بیان طبیفی کارگر و دهقان پرورییم . مضمون این حرف اینست که بهترین کار برای وحدت تا ان امنی برانگیزی است. این نظر در واقع هیچ طرح مشخصی برای وحدت ندارد. تنها بیک شعار عام و کلی که هر زمان در دست است و رفتن میمان تود ه هائیسند ه میکند . امروز گروهها و دسته های سیاسی ری هستند که در میان کارگران و بد یگزین حکمکنان مشغول فعالیت اند؛ اما همانطریق گفته شد بخاطر عدم اتحاد شان و نتیجتا بخاطر کمکی نیروها و امکان نشان مستطیاتی قادر با انجام وظایفی که جنبش پیش پایشان نگذاشته و حمل مسائل و مشکلاتی که با آن روبرو نیستند و نتیجه بناچار درگیر خرد ه کاری میشوند. اگر حال ما بگوئیم راه حل یا بماند ان نه این حرفه ای که کاری به این تفرقه و جدائی در جنبش، اد امنی همین تفرقه و پراکندگی است، و روشن است که چه بندی " کمونیستها اد ه ام .

۴- گروهی نیز همگاری مشترک را در دست و اصولی میدانند. لیکن خود بر نامه ای برای آن ند آرندهای این بر نامه را میزند. اینان اگر با ست یافتن به پیشنهاد هر گروه آن را مطالعه کرد ه و صد قانه ند بر خود کرد ه و نظرخو را بصراحت در مورد شان بیان آرنده و خود نیز پیگیرانه در تلاش ار ارضی بر نامه ای جهت همکاری باشند و بر اساسی ضرورت این همکاری عملی را در جهت رسیدن ب وحدت ببینند و به اعتقاد داشته باشند ، خواهند توانست هر چه زود تر خود را درگیر فعالیت مشترک کنند . و گرنه ، اگر در رسته پیشنهاد د بگرا ن ارماد ود بد اند و ار ارضی هر طرح همکاری بی از جانب خود را نیز به آرندهای ند معلوم موقوف کنند ، آنوقت باید این بر نامه ند اشتیاقان را به آماده نمود نشان برای فعالیت عملی تاویل کرد .

۵- کسانی نیز هستند که کلا از همکاری مشترک بیم دارند. اینان گمان میکنند که در شرایط سلطه و یکتا توری و اشتراکاتی مخفی ، همکاری به مخفی کاری فرزند ه باعث ضربه خوردن گروههای می شود. اینان در واقع از یافتن یک شکل تشکیلاتی مناسب برای فعالیت مشترک و سپس در سطح وحدت تشکیلاتی عاجزند و بخاطر این ناتوانی کلا همکاری را نفی میکنند .

۶- گروهی نیز هستند که کلا از همکاری مشترک بیم دارند. اینان گمان میکنند که در شرایط سلطه و یکتا توری و اشتراکاتی مخفی ، همکاری به مخفی کاری فرزند ه باعث ضربه خوردن گروههای می شود. اینان در واقع از یافتن یک شکل تشکیلاتی مناسب برای فعالیت مشترک و سپس در سطح وحدت تشکیلاتی عاجزند و بخاطر این ناتوانی کلا همکاری را نفی میکنند .

۷- گروهی نیز هستند که کلا از همکاری مشترک بیم دارند. اینان گمان میکنند که در شرایط سلطه و یکتا توری و اشتراکاتی مخفی ، همکاری به مخفی کاری فرزند ه باعث ضربه خوردن گروههای می شود. اینان در واقع از یافتن یک شکل تشکیلاتی مناسب برای فعالیت مشترک و سپس در سطح وحدت تشکیلاتی عاجزند و بخاطر این ناتوانی کلا همکاری را نفی میکنند .

۸- گروهی نیز هستند که کلا از همکاری مشترک بیم دارند. اینان گمان میکنند که در شرایط سلطه و یکتا توری و اشتراکاتی مخفی ، همکاری به مخفی کاری فرزند ه باعث ضربه خوردن گروههای می شود. اینان در واقع از یافتن یک شکل تشکیلاتی مناسب برای فعالیت مشترک و سپس در سطح وحدت تشکیلاتی عاجزند و بخاطر این ناتوانی کلا همکاری را نفی میکنند .

۹- گروهی نیز هستند که کلا از همکاری مشترک بیم دارند. اینان گمان میکنند که در شرایط سلطه و یکتا توری و اشتراکاتی مخفی ، همکاری به مخفی کاری فرزند ه باعث ضربه خوردن گروههای می شود. اینان در واقع از یافتن یک شکل تشکیلاتی مناسب برای فعالیت مشترک و سپس در سطح وحدت تشکیلاتی عاجزند و بخاطر این ناتوانی کلا همکاری را نفی میکنند .

۱۰- گروهی نیز هستند که کلا از همکاری مشترک بیم دارند. اینان گمان میکنند که در شرایط سلطه و یکتا توری و اشتراکاتی مخفی ، همکاری به مخفی کاری فرزند ه باعث ضربه خوردن گروههای می شود. اینان در واقع از یافتن یک شکل تشکیلاتی مناسب برای فعالیت مشترک و سپس در سطح وحدت تشکیلاتی عاجزند و بخاطر این ناتوانی کلا همکاری را نفی میکنند .

۱۱- گروهی نیز هستند که کلا از همکاری مشترک بیم دارند. اینان گمان میکنند که در شرایط سلطه و یکتا توری و اشتراکاتی مخفی ، همکاری به مخفی کاری فرزند ه باعث ضربه خوردن گروههای می شود. اینان در واقع از یافتن یک شکل تشکیلاتی مناسب برای فعالیت مشترک و سپس در سطح وحدت تشکیلاتی عاجزند و بخاطر این ناتوانی کلا همکاری را نفی میکنند .

۱۲- گروهی نیز هستند که کلا از همکاری مشترک بیم دارند. اینان گمان میکنند که در شرایط سلطه و یکتا توری و اشتراکاتی مخفی ، همکاری به مخفی کاری فرزند ه باعث ضربه خوردن گروههای می شود. اینان در واقع از یافتن یک شکل تشکیلاتی مناسب برای فعالیت مشترک و سپس در سطح وحدت تشکیلاتی عاجزند و بخاطر این ناتوانی کلا همکاری را نفی میکنند .

۱۳- گروهی نیز هستند که کلا از همکاری مشترک بیم دارند. اینان گمان میکنند که در شرایط سلطه و یکتا توری و اشتراکاتی مخفی ، همکاری به مخفی کاری فرزند ه باعث ضربه خوردن گروههای می شود. اینان در واقع از یافتن یک شکل تشکیلاتی مناسب برای فعالیت مشترک و سپس در سطح وحدت تشکیلاتی عاجزند و بخاطر این ناتوانی کلا همکاری را نفی میکنند .

۱۴- گروهی نیز هستند که کلا از همکاری مشترک بیم دارند. اینان گمان میکنند که در شرایط سلطه و یکتا توری و اشتراکاتی مخفی ، همکاری به مخفی کاری فرزند ه باعث ضربه خوردن گروههای می شود. اینان در واقع از یافتن یک شکل تشکیلاتی مناسب برای فعالیت مشترک و سپس در سطح وحدت تشکیلاتی عاجزند و بخاطر این ناتوانی کلا همکاری را نفی میکنند .

۱۵- گروهی نیز هستند که کلا از همکاری مشترک بیم دارند. اینان گمان میکنند که در شرایط سلطه و یکتا توری و اشتراکاتی مخفی ، همکاری به مخفی کاری فرزند ه باعث ضربه خوردن گروههای می شود. اینان در واقع از یافتن یک شکل تشکیلاتی مناسب برای فعالیت مشترک و سپس در سطح وحدت تشکیلاتی عاجزند و بخاطر این ناتوانی کلا همکاری را نفی میکنند .

۱۶- گروهی نیز هستند که کلا از همکاری مشترک بیم دارند. اینان گمان میکنند که در شرایط سلطه و یکتا توری و اشتراکاتی مخفی ، همکاری به مخفی کاری فرزند ه باعث ضربه خوردن گروههای می شود. اینان در واقع از یافتن یک شکل تشکیلاتی مناسب برای فعالیت مشترک و سپس در سطح وحدت تشکیلاتی عاجزند و بخاطر این ناتوانی کلا همکاری را نفی میکنند .

۱۷- گروهی نیز هستند که کلا از همکاری مشترک بیم دارند. اینان گمان میکنند که در شرایط سلطه و یکتا توری و اشتراکاتی مخفی ، همکاری به مخفی کاری فرزند ه باعث ضربه خوردن گروههای می شود. اینان در واقع از یافتن یک شکل تشکیلاتی مناسب برای فعالیت مشترک و سپس در سطح وحدت تشکیلاتی عاجزند و بخاطر این ناتوانی کلا همکاری را نفی میکنند .

نظریات یکی از محافل مارکسیستی

مارکسیسم به معنای موزد که در رساله‌های انقلابی به خاطر سرنگونی مرتجعین و برقراری جامعه نوین سوسیالیستی بایستی همواره واقعیت‌های ریاچه و اساس کار خود قرار دهد. با توجه به واقعیت‌های اخیر جامعه‌ی ما یعنی افتضاحات حزب توده و گروه‌های رزگارنگ در خا- رج کمونیست خود را رقیب مارکسیسم- استراژرک و مودژا کوچکتر شناخته از موضع اقتصادی- اجتماعی- سیاسی جامعه فرمول‌های قالبی برای انقلاب صادر کرده و همچنین ضعف تئوریک فعلی که یکی از ویژگی‌های جنبش انقلابی ماست و در اشکال زیردست سطح جنبش بروز کرده است:

- ۱- عدم توانایی گروه‌های انقلابی در انطباق مارکسیسم
- ۲- عدم توجه به شرایط مشخص جامعه و بی توجهی بنحوا- رب نیست و معنی انقلابیون سه می‌گذشته و در نتیجه به شخصی نبودن خط مشی درست که همانا باعث بوجود آمدن گروه‌های رزگارنگه است. خط مشی‌های عملی متفاوت و رواج وسیع خرده کاری شده است؛
- ۳- فقدان وحدت و بودن در انش تئوریک تلذذک افراد گروه‌های انقلابی و سایر عناصر مبارز؛
- ۴- شیفتگی نیروهای انقلابی به پراتیک به دین و رک لزوم تئوری راه‌ها و نیز رفتن نیروهای انقلابی؛
- ۵- فقدان ارزیندی شخصی بین مارکسیسم- لنینیسم انقلابی و اپورتونیزم چپ و راست و شکل خاص ایرانی؛
- ۶- وظایف مبری جهت جلوگیری از انحرفات در رهبخت کومونیستی و تده وین تئوری صحیح انقلابی که در نتیجه ی پیوند نغرد و بافعلی‌الت‌عملی جنبش و فعالیت و ای و واقعا انقلابی شکل نهای بخود میگیرد. در مقابل کومو- نیست‌های صدمیق و مؤمن به آرمان طبقه کارگر قرار میگیرد.

این وظایف عبارتند از:
۱- مطالعه‌ی آثار مارکسیستی و تاریخ اجتماعی ایران و جمع‌بندی تجارب مبارزات انقلابی سایر خلق‌ها، درک ماهیت مارکسیسم- لنینیسم، وضعیت گروه‌های نظرات و روش‌های مارکسیستی- لنینیستی در برابری انقلاب در دستمژا و در کنار خود و استفاده از آنها برای تجزیه و تحلیل مسائل علمی مسائل ویژه ایران و یافتن قوانین رشد این مسائل (پیوند تئوری و پراتیک).
۲- تحقیق در وضع واقعی موقعیت اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی
الف: روش پژوهش - تشریح طبقات مختلف اجتماعی (موقعیت مبارزتی توده ها، موقعیت مرتجعین و زنگنی اقتصاد و خلق)
ب: هدف غائی - شناخت روابط متقابل آنها، ارزیابی صحیح نیروهای انقلابی و از آنجا که در یافتن بناکتیک و استراتژی صحیح مبارزه.

توضیح-
۱- ما در این مرحله باید به یک شناخت مقدماتی از مارکسیسم- لنینیسم دسترسی پیدا کنیم. همچنین از شناخت تجارب مثبت و منفی انقلابیون سه‌دهه اخیر ایران و تجارب انقلابی سایر خلق‌ها از یکسواز انجام تاکتیک‌های غلطی که قبلا آزمایش شده و اجتناب از ویرانگری و برخورد با گروه‌های رزگارنگه که از راه دیرپا تئوریک خلق ایران ایجاد می‌کنند مت‌گوریم. لازم است با توجه به اشنی که از نظریه مطالعه و بحث در رسمت اول کسب کردیم برخورد ما با اجتماع است. در این مرحله که تمام اسناد نوشته‌های غلطی و غیرغلطی مربوط بوضع اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی را مطالعه می‌کنیم. با توجه به رهنمودهای شخصی که ارائه میشود هرکس مطابق امکانات و توانا- شین مسائل جاری را تحقیق و بررسی می‌کند. در این بروز- هاش که از تمام شیوه‌های ممکن استفاده و بینماتیم، ما باید به چند مسئله زیرایسوخ شخص‌علنی به هم:

- ۱- این انقلاب علیه کیست؟
 - ۲- وظایف این انقلاب چیست؟
 - ۳- نیروهای محرکه‌ی آن چه هستند؟
 - ۴- خصلت این انقلاب چیست؟
 - ۵- د ورنمای این انقلاب چیست؟
- برای آنکه به انیم این انقلاب علیه چه کسی است باید نیروی سیاسی که جامعه راحت‌فشار قرار دهد و مانع رشد آن میشود را پیدا کنیم. برای آنکه به انیم نیروهای محرکه‌ی آن چه هستند باید طبقات و قشر‌های تحت ستم را پیدا کنیم. این دو جنبه‌ی تضاد اساسی هستند که نام‌های آن نمیتواند رک کرد چه مته هاشی واقعی برای مبارزه بوسیله‌ی هریک از جنبه‌ها سه‌روابط متقابلمان باید که با یکدیگر استعمال میشوند. با کشف تضاد اصلی در جامعه‌ی ایران در شرایط فعلی و قانونمندی حرکت این تضاد سازمان انقلاب نمیتواند خصلت ایمن- انقلاب و وظایف آن در ورنمای آنرا تشخیص دهد. منظور هدف‌های فوق‌باید مسائل زیر را تحقیق کنیم:

وضعیت اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی هریک از طبقات زیر:

نظریات یکی از محافل مارکسیستی داخل کشور و باسختی بدان

مشتری پیش‌بینی از محافل مارکسیستی ایران جزویتی مختصری نظرات و پیشنهادهای خود را به نام کارکسیست- لنینیست در شرایط کنونی پذیرفته کرده. درین آن یکی در گزارش محافل مارکسیستی در مجموع و توفیق در ارم و نیز جوابیه‌ی کوتاهی در پاسخ به جزویتی فوق‌تسهه‌دهه و ایدئولوژیکی که از جنبش و جوابیه‌ی آن بدست ما رسیده و هر دو را یکجا چاپ کرده و انتشار میدهند. بهانه‌ی کار محافل و گروه‌های مارکسیستی در ایران نیز نظرات خود را به نام مسائل و وظائف کنونی جنبش ما مطرح کرده‌اند. به نشان به در این گفته‌های ضابطه‌ی بحث عمومی که از دین آن راه حل‌های مابین‌شترک و صحیحی بیرون آید- هر چند هم که بدو را سطوح ابتدائی بوده و فقط جوابی را طرح کند - باری‌رسانند.

طبقات زیر:
I کارگران: الف- کارگران صنعتی؛ ب- کارگران صنایع دستی؛ ج- کارگران معدن؛ د- دولومین برولتاریا (کارگران فصلی، کارگران ساختمانی).
II ۱- بوزواری‌های ملی؛ ۲- بوزواری‌های صنعتی کم‌ساز و پر؛ ۳- بوزواری‌های مالی کم‌ساز؛ ۴- بوزواری‌های تجاری کم‌ساز و پر؛ III ۱- دهقانان فقیر؛ ۲- دهقانان متوسط؛ ۳- دهقانان مرفه؛ ۴- کارگران کشاورزی.
IV ۱- بوزواری‌های روستایی؛ ۲- دهقانان. الف- خرده بوزواری‌های شهری شامل کسبه، صاحبان کارگاه‌های کوچک، تجار خرده و پان کارمندان، صاحبان مشاغل آزاد (مهندسان، دکتورها، روشنفکران (محصلین، دانشجوین).
VI بی‌جزان شهری ازجه کسانی تحقیق شده و از چند نفر (شغل، سن، میزان شمولی سیاسی)

II الف- کارگران و بوزواری‌ها

۱. وضع اقتصادی، سیاسی و اجتماعی: میزان دستنورد و سود ویژه - وضع جریبه‌ها و اخراجها - ساعات کار روزانه - روزهای تعطیل در هفته و در سال - تعداد و نوع کارخانه‌های موجود در هر منطقه - تعداد کارگران هرکدام - آیا کارخانه‌ها از لحاظ تعداد کارکنان تکمیل است - کارگران آن از لحاظ سن و جنس - تعداد کارگران صنایع دستی و ساختمانی معدن و کارگاه‌های کوچک مثل مکانیکی، خیاطی، نجاری ... - نوع صنایع دستی - وضع آنها از لحاظ رشد بازاو، میزان تولید و نوع صنایع دستی، آیا صنایع دستی متعلق به سواد سازنده‌گان آنها و چوب و ارد، اگر چوب و ارد مقدار آن نسبت به کارگاه‌هایایی که متعلق به خود سازنده‌گان نیست - تاریخ تأسیس هر کارخانه و امکانات ریحده‌ی آن - تحقیق اینکه آیا کارخانه و معدن دولتی است یا متعلق به بخش خصوص - سی با سرمایه گذاری بخش خصوصی و دولت ایسجام گرفته - تحقیق اینکه آیا سرمایه در آن خارجی هم سهم در اید و اگر اید چند درصد متعلق به سرمایه‌های خارجی و چند درصد متعلق به ایرانی (دولت یا بخش خصوصی) است - نام سرمایه گذاران و تحقیق وابسته یا غیر وابسته بودن آنها و اینکه هرکدام از آنها چند کارخانه یا معدن یا باریسخت خدمات (شرکت‌های حمل و نقل، بهداشت، شات، بیمارستان و ...) و باریسخت وجود در اید یا تحقیق اینکه سرمایه گذاران محلی است یا غیر محلی و تحقیق میزان تولید و رشد آن در کارخانه، در صورت امکان و تحقیق تأسیس تاکنون یا در چند سال اخیر - اقدامات رفاهی که از جانب کارخانه برای کارگران صورت گرفته (سرویس، سلف، کلاس بیکار، مهد کودک، سندیکا، شرکت‌های تعاونی مصرف، سگن و اغشار، سجد درمانی، سکس)

میزان مزد کارگران ابتدائی تأسیس و مقایسه وضع زندگی آنها با گذشتی و مقایسه‌ی آن با سایر طبقه‌های (دولت و ران بحران و قبل از آن) - آیا طبقه بندی و مشاغل در کارخانه شده یا نه - نظم و سلسله مراتب موجود برای استتار کارگران و وضع تشکیل کارگران - آیا کارگران کارخانه مشاغل دیگری هم دارند یا نه - وضع تحصیلی و شغلی فرزندان آنها - آیا کارگران در شهرهای کارگری زندگی میکنند یا در شهر - آیا کارخانه در خارج شهراست یا داخل شهر

۲. وضعیت اقتصادی: وضع کلی در هر منطقه و در کل کشور - وضعیت درآمد کارگران - میزان تولید و رشد آن در کارخانه، در صورت امکان و تحقیق تأسیس تاکنون یا در چند سال اخیر - اقدامات رفاهی که از جانب کارخانه برای کارگران صورت گرفته (سرویس، سلف، کلاس بیکار، مهد کودک، سندیکا، شرکت‌های تعاونی مصرف، سگن و اغشار، سجد درمانی، سکس)

۳. وضع سیاسی: موضع گیری در هنگام انتخابات - وضعیت رفاقی و نیز از قشرهای دهقانان - تعداد نفوذ الی‌بوزواری‌های موجود در منطقه، وضع اداری و ارزشمندی در منطقه - وضعیت فشار بر طبقه و کمبود هائیاری و رضایت آنان بوضع سیاسی و دشمنان باه (سال قبل - اقدامات رفاهی که برای آنها صورت گرفته و کمبودهای آنها - معادن و منابع طبیعی منطقه

۴. وضع سیاسی: موضع گیری در هنگام انتخابات - وضعیت رفاقی و نیز از قشرهای دهقانان - تعداد نفوذ الی‌بوزواری‌های موجود در منطقه، وضع اداری و ارزشمندی در منطقه - وضعیت فشار بر طبقه و کمبود هائیاری و رضایت آنان بوضع سیاسی و دشمنان باه (سال قبل - اقدامات رفاهی که برای آنها صورت گرفته و کمبودهای آنها - معادن و منابع طبیعی منطقه

۵. وضع سیاسی: موضع گیری در هنگام انتخابات - وضعیت رفاقی و نیز از قشرهای دهقانان - تعداد نفوذ الی‌بوزواری‌های موجود در منطقه، وضع اداری و ارزشمندی در منطقه - وضعیت فشار بر طبقه و کمبود هائیاری و رضایت آنان بوضع سیاسی و دشمنان باه (سال قبل - اقدامات رفاهی که برای آنها صورت گرفته و کمبودهای آنها - معادن و منابع طبیعی منطقه

۶. وضع سیاسی: موضع گیری در هنگام انتخابات - وضعیت رفاقی و نیز از قشرهای دهقانان - تعداد نفوذ الی‌بوزواری‌های موجود در منطقه، وضع اداری و ارزشمندی در منطقه - وضعیت فشار بر طبقه و کمبود هائیاری و رضایت آنان بوضع سیاسی و دشمنان باه (سال قبل - اقدامات رفاهی که برای آنها صورت گرفته و کمبودهای آنها - معادن و منابع طبیعی منطقه

۷. وضع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی: وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی: وضعیت درآمد کارگران - میزان تولید و رشد آن در کارخانه، در صورت امکان و تحقیق تأسیس تاکنون یا در چند سال اخیر - اقدامات رفاهی که از جانب کارخانه برای کارگران صورت گرفته (سرویس، سلف، کلاس بیکار، مهد کودک، سندیکا، شرکت‌های تعاونی مصرف، سگن و اغشار، سجد درمانی، سکس)

۸. وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی: وضعیت درآمد کارگران - میزان تولید و رشد آن در کارخانه، در صورت امکان و تحقیق تأسیس تاکنون یا در چند سال اخیر - اقدامات رفاهی که از جانب کارخانه برای کارگران صورت گرفته (سرویس، سلف، کلاس بیکار، مهد کودک، سندیکا، شرکت‌های تعاونی مصرف، سگن و اغشار، سجد درمانی، سکس)

جوابیه محفل مارکسیستی در پیکر

مطالعه‌ی جزویتی حاضر را مبارزان داشت که هر چند کوتاه و مختصر، با نظریه مطرحه برخورد کنیم. باشد که مبارزین راستین خلق از برخورد نظریه‌ها سه تئوریک صحیحی دسترسی پیدا کرد و به وحدت عمل مشترک برسند، پس از شکست جنبش در سال ۱۳۳۲ و تسلط رژیم مزد ورشاه بکمک اربابان آمریکائیش، و پس از جمع‌بندی غلط شکست جنبش از طرف انقلابیون چهرونی کمیته مرکزی این خائنین به جنبش توده‌های خلقی ایران و وابستگی و سرسپردگی آنها به رویزیونیزم و سیال - امپریالیسم شوروی پیش از پیش روشن شد. در این زمان که حزب خائین توده به زوزه کشیدهای خود از بند گدوهای رویزیونیزم شوروی در مورد راه پارلمنتاریسم و هیوستی مسالمت آمیز ادامه دهد، ما مبارزین به رستی بطرف خط مشی این فرصت نظامی سکونتی پیدا نند و مجد و آبرای ارتباط و پیوند با توده‌ی تحت ستم و زعمت‌کنی ایران بفعلی‌الت‌عملی برداختند. عدله‌ای از انقلابیون تحت تأثیریند بری از نظریه‌های زریس در بره و راه انقلابی کوبا به جنبش چریکی روی آوردند.

پس از وجود آمدن روش‌ده خط مشی این خائنین و غارت‌کنان خلق رزمندی ما و قتل و عام و شکنجه و تعقیب رزمندگان از طرف رژیم بوشالی در دست نشاندگی محمد رضا شاه و نیز ضعف تئوریک و خرده کاری و تفرقه و پراکندگی عظیمی که در جنبش انقلابی ما بوجود آمده است. رفقای مبارز را بر آن داشته است تا به ضعفها و کمبودهای جنبش برسند. خود نمود و راه حل‌هایی در جهت بدست آوردن تئوریک صحیح انقلابی ارائه دهند.

در این چند ساله که مبارزات رفاقی چریک در مهبین مایم‌گرد و از عمل آنها نه ضعف مطلق در ذهن زحمت‌کنان شکسته شده و نه کنایه [وجود آمدن] اگرکنایه بود به برکت آگاهی طبقاتی که از زریس توده در دریافت میگردد و غیر آن [بیش] برخورد از طرف آگاه‌ترین عناصر طبقه زحمتکش فقط شکل دلسوزی و [وجود] عاطفی نیست، به زندگی شخصی این رفاقی چریک [در] است.

از بین بردن یک مزد و در شکل تئوریک، حتی در بره‌ی سستی شکنش و ریبیطی نرذ که بازندگی اجتماعی آنها نبود تروفوتان کثیف، هیچ آگاهی طبقاتی را در ذهن زحمت‌کنان برسی اشیرد. بگویم ما نتیجه ۷ ساله این خست‌کنی در جنبش توده‌ای است. خط راست حزب خست‌نمبره رشد خود "جیبی" بد و ارتباط و پیوند با خلق ما (خط چریکی) نمند، اکنون در برخورد و جمع‌بندی از امرای رزات‌گذشته، بخصوص مبارزات چریکی خلقمان، جنبش انقلابی ما ادامه‌ی بی‌بیتش و انحسار می‌باشد که باید به آن فاطمانه برخورد نمود و از وجود آمدن جنبش انحسار فاتی در جریان مبارزاتی خلقمان، جهت دسترسی به تئوریک صحیح انقلابی جلوگیری نمود.

عده‌ای از رفاقیان در گردن مبارزین نظای در شرایط فعلی، مبارزینی صرفاً اقتصاد‌ی مطرح کرده و از ابتدائی ترین خواسته‌های اقتصاد‌ی توده حرکت میکنند و نه تنها قی می‌د راه بالا بردن آگاهی سیاسی توده برند داشته، بلکه با نظریه‌های انحساری خود قنق بقدر بر میدارند. این رفاقیان دم زدن از خواسته‌های مشخص توده "و حرکت" از سطح توده‌ها و باطن رزگه مسئله اقتصاد‌ی در برابر مبارزات سیاسی - تئوریک علل در مقابل توده‌ی این برتر از مسئله ضعف تئوریک

جنبش را مورد نظر قرار داده و باطن رزگه و از این بطن بطن فعلی نظریه انحساری ترد برتری میکند و آن اینکه باید یکباره از تمام فدلالتی‌های انقلابی چشم پوشیده و فقط به رشد تئوریک خود پرداخت و بدسترنیب در موضع اگاد کسیتی قرار می‌نیرند. جزوه حاضر ضرنیز همین مسئله را مطرح میکند. در جزوه‌ی حاضر

مخواسیم: وظایف مبری جهت جلوگیری از انحرفات در نهضت کومونیستی و تده وین تئوریک صحیح انقلابی که در نتیجه پیوند فشرده و بافعلی‌الت‌عملی و فعالیت و دواغما انقلابی شکل‌نهایی بخود میگردند در مقابل کمونیستی‌های صدمیق و مؤمن به آرمان طبقه کارگر قرار میگردند (ص ۲۰). تأکید از ماست - اما بعد از مطالعه‌ی جزوه تا به آخر معلوم میشود که رفاقیان پیوند فشرده را فقط برای شناسائی و تحقیق لازم دارند و عملناقصی در ریدگی اجتماعی توده‌ی محروم دستند به ما محسوسند و از همه باشند. اگر صحیح است که باید به درون طبقات کارگری دهقان و بزرگان خلق نفوذ پیدا کرد، نه به این معنی است که به مفهوم "ملاستی" یا "حس کارگران" یا "وضع تحصیلی و شغلی فرزندان اینان" و "بازگویی کارخانه" و "میزان دستنورد مهندسان" (ص ۱۰) و غیره ... مسئله نفوذ در رین این طبقات و اقتدار بر این برن آگاهی طبقاتی در رین آنها می‌باشد. سن و جنس کارکنان و باگرونی کارخانه و خانده و مالی‌های دیگری که در صفحه ۳